

مفاهیم آیه در دوره پیش از اسلام: تبار شناسی و معناشناسی

نرجس موسوی اندرزی^۱، دکتر آذرتاش آذرنوش^۲

چکیده

واژه کهن «آیه» وابسته به سرمایه اصیل عربی است و این واقعیت از استعمال گسترده واژه در شعر جاهلی آشکار می‌شود. با این حال وقتی این واژه به قرآن وارد شد در پیوند با واژه‌های قرآنی دیگر، مفهومی دینی به خود گرفت که برای مخاطبان قرآن در عصر نزول، یعنی مشرکان و اهل کتاب شبه جزیره، ناشناخته نبود و آنان مستقیماً و یا به واسطه اهل کتاب، با این مفهوم که قبلاً در کتاب مقدس با همزاد عبری آیه - אַיֶה (ot) - به کار رفته بود آشنا بودند. مفهوم دینی آیه در کتاب مقدس عبری عبارت است از فعلی الهی که محتوای وحی - اعم از تعلیمات و معرفت‌های دینی و پیش‌گویی آینده - را تأیید و تأکید می‌کند. این مفهوم لااقل بخشی از تصور قرآنی آیه را تشکیل می‌دهد؛ از این رو در معناشناسی آیه در قرآن باید مورد توجه قرار بگیرد.

کلید واژه‌ها: آیه، معناشناسی، شعر جاهلی، کتاب مقدس

مقدمه

واژه «آیه» - به معنای نشانه و علامت - از پرکاربردترین کلمات قرآن است که برای تعبیر از امور به ظاهر پراکنده و غیرمرتبطی مانند وحی الهی بر پیامبران، معجزات رسولان، پدیده‌های طبیعت، امداد خداوند به مؤمنان و معرفت‌های شهودی انبیا به کار رفته است. مقاله حاضر می‌کوشد به مفهوم مشترکی که در

Moussavi52@gmail.com

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران.

۲. استاد زبان و ادبیات عربی دانشگاه تهران.

تاریخ پذیرش: ۸۹/۲/۴

تاریخ دریافت: ۸۸/۷/۸

همه مصادیق آیه وجود دارد و اطلاق واژه فنی آیه بر همگی آنها را جایز ساخته است، دست یابد. روشن است که قرآن تعالیم خود را به زبانی عرضه کرده است که برای مخاطبان بلاواسطه‌اش قابل فهم باشد و این بدان معناست که قرآن از واژه‌هایی استفاده کرده است که مردم شبه جزیره آنها را به کار می‌برده‌اند و تصویری راجع به مفاهیم آنها داشته‌اند؛ هر چند بنا به اصل افتراقی بودن هویت دالّ و مدلول، این واژه‌ها پس از ورود به دستگاه واژگان قرآن، مفاهیم نسبی تازه‌ای نیز یافته‌اند؛ از این رو، در این گفتار مفهوم «آیه» در دوره پیش از نزول قرآن، هم در فرهنگ عربی و هم در فرهنگ یهودی- مسیحی، به ویژه دلالت این کلمه در اشعار عرب جاهلی از یک سو و در متون عهد قدیم از سوی دیگر بررسی خواهد شد. ضرورت جستجوی مفاهیم پیش از اسلامی «آیه» به ویژه وقتی آشکار می‌شود که در نظر بگیریم عمده مخاطبان عصر نزول قرآن به یکی از حوزه‌های فرهنگ جاهلی یا فرهنگ یهودی- مسیحی آن روزگار تعلق داشتند و تلقی آنها از آیه می‌توانسته است به صورتی سلبی یا ایجابی در شکل دهی به دیالوگ قرآنی در خصوص آیه سهیم باشد؛ لذا شناسایی مفهوم آیه در کتاب مقدس- به ویژه عهد قدیم^۱- از این لحاظ که کاربرد دینی این واژه را در دوران نزدیک به نزول قرآن آشکار می‌سازد برای هدف این تحقیق مهم‌تر و اساسی‌تر است.

۱. به گفته نولدکه (تاریخ القرآن؛ ۸) «مسیحیت در بین فرقه‌های شرقی آشکارا صبغه یهودی داشت و عهد جدید در کلیسای کهن فاقد آن اهمیتی بود که عهد قدیم در حوزه تعالیم و مبانی روحانی داشت».

۱- اشتقاق واژه آیه در زبان‌های سامی

۱-۱- اشتقاق در زبان عربی

لغویان مسلمان در تشخیص ریشه واژه «آیه» اتفاق نظر ندارند. خلیل بن احمد و فرّاء «أی» و سیبویه «أوی»^۱ را ریشه آن ذکر کرده‌اند؛ در حالی که ابن فارس آن را ذیل «أی» و ابن درید آن را ذیل «وَأی» (به معنای ضمان العدة، نک. العین، ذیل ماده؛ قس. Pyne Smith, i, 31) آورده است. ملاحظه ابن درید قابل توجه است؛ زیرا در صرف، گاهی واو قلب به همزه می‌شود (مانند «إرث» و «ورث»)^۲؛ در این صورت با در کنار هم قرار گرفتن دو همزه، دومی به الف تبدیل می‌شود و شکل «آی» را پدید می‌آورد که مؤنث یا مفرد آن «آیه» خواهد بود. درباره ساخت این کلمه نیز میان لغت‌شناسان اختلاف است. خلیل (ذیل «أی») الف وسط کلمه را یاء دانسته، آن را به غایه و رایه قیاس کرده است که حروف اصلی آنها «غی» و «ری» است. بدین ترتیب وی وزن «آیه» را فَعْلَة دانسته است. فرّاء آن را بر وزن «فَعْلَة» (به سکون عین) و کسائی آن را بر وزن «فاعلة» گرفته است؛ در حالی که دیگران همچون خلیل، وزن فَعْلَة را برگزیده‌اند (لسان، ذیل «أی-ی»؛ ابن انباری؛ ۱۷۸). آنگاه برخی کوشیده‌اند فعلی هم ریشه با آیه معرفی کنند. ابن منظور (لسان؛ همان جا) «أیا آیه» را به معنای «وَضَعَ علامة» ذکر می‌کند اما شاهدی برای این کاربرد نمی‌آورد. «تَأَيَّته» (باب تَفَعَّل) و «تَأَیا-تَأَیوکم» (باب تَفَاعَلَ) از افعال دیگری است که هم ریشه با آیه ذکر می‌شوند و شاهدی بر هر یک نقل می‌شود که معنای «قصده و آهنگ چیزی کردن» از آنها فهمیده می‌شود اما پیوند روشنی میان این مفهوم و مفهوم آیه (علامت و نشانه) به نظر نمی‌رسد.

۲. این قول را جوهری به سیبویه نسبت داده است و ابن برّی این نسبت را نادرست می‌داند (نک: لسان، ذیل آی).

۲-۱- اشتقاق در زبان‌های هم‌خانواده عربی

۲-۱-۱- عربی: جفری واژه عبری $\text{אוֹת} (ot)$ به معنای نشانه را از فعل عبری אָוַהַ (awāh) به معنای نشانه گذاشتن مشتق می‌داند (دخیل، ۱۳۳) که فعلی ناقص است. اما در عهد قدیم تنها شکل اسمی $\text{אוֹת} (ot)$ و جمع آن $\text{אוֹתוֹת} (otot)$ را می‌توان یافت. «در نوشته‌های ربانیان نیز $\text{אוֹת} (ot)$ به همین نحو به کار رفته است؛ هر چند در آن جا معنای حرفی از حروف الفبا را هم پیدا کرده است» (همان، ۱۳۴).

۲-۲-۲- آرامی: همزاد آیه در آرامی واژه אַתָּא (ātā) است که علاوه بر مفهوم عام نشانه، به معنای حرف الفبا (نشانه نوشتاری برای اصوات گفتاری) نیز به کار می‌رود. معنای اخیر به زبان عبری وارد شد (جفری، همان جا) و ذیل معانی همان لفظ $\text{אוֹת} (ot)$ قرار گرفت با این تفاوت که لفظ مذکور در معنای حرف الفبا، به تبع لفظ آرامی، مؤنث به حساب می‌آید و جمع آن $\text{אוֹתוֹת} (otiot)$ است (حییم؛ ذیل واژه).

۲-۳-۱- آرامی کتاب مقدس: در بخش‌های آرامی کتاب مقدس، معادل آیه، واژه אַתָּא (āt) است که در سفر دانیال سه بار به کار رفته است (۳: ۳۲-۳۳؛ ۶: ۲۸) و به معنای نشان و علامتی است که از جانب خداوند باشد (جفری، همان جا).

۲-۴-۱- سریانی: در سریانی واژه אַתָּא (ātā) «در همان حال که دقیقاً مانند واژه عبری $\text{אוֹת} (ot)$ به کار می‌رود و ترجمه سمیون $\sigma\eta\mu\epsilon\iota\omicron\upsilon\varsigma$ یونانی، هم در ترجمه سبعینی تورات و هم در عهد جدید است، در معنای دلیل و برهان و شاهد و سند به کار می‌رود» (همانجا). در پیشتیا (کتاب مقدس سریانی) واژه אַתָּא (ātōtā) از همین ریشه به معنای حرف الفبا به کار رفته است (متی، ۵:

۱۸؛ لوقا، ۱۶: ۱۷. قس. (Pyne-Smith, i. 32). معانی دیگر این واژه عبارت است از: رایت، مَثَل و نمونه، اثر، یادبود، عجیبه (ج. عجایب) و ضمان (Louis Costaz; 22; Pyne-Smith, i, 31).

۵-۲-۱- ماندایی: واژه ماندایی هم ریشه با آیه (otā) 𐭪𐭥𐭩𐭥 به معنای نشانه است (جفری؛ همانجا).

۶-۲-۱- فنیقی: همزاد فنیقی آیه واژه (at) 𐤀𐤌 است (همان، ۱۳۳؛ قس. مشکور؛ فرهنگ تطبیقی، ۱: ۴۹).

۲- واژه آیه، دخیل یا اصیل؟

با توجه به آنچه گذشت، به نظر می‌رسد واژه آیه و همزادهای سامی آن، از واژه-های کهن سامی به شمار می‌آیند و از آن جا که مفهوم اساسی «نشانه» که میان همه آن‌ها مشترک است، مفهومی عمومی و غیر فنی است، نمی‌توان به سادگی ادعا کرد که یکی از این زبان‌ها خاستگاه اصلی این واژه بوده است. اما خاور-شناسان «آیه» را واژه‌ای دخیل و غیر اصیل در عربی دانسته‌اند. آرتور جفری با اشاره به «کوشش لغویان مسلمان در تفسیر و توجیه این واژه»، می‌نویسد (دخیل، ۱۳۳): «این واژه در زبان عربی ریشه ندارد، و از قرار معلوم، همچنان که فُن کرم نوشته است، از سریانی یا آرامی گرفته شده است» و پس از ذکر معانی کلمه در عبری، آرامی و سریانی، می‌افزاید: «با آن که غیر ممکن نیست که عربها این واژه را از یهودیان گرفته باشند، بیشتر احتمال می‌رود که این واژه از طریق مسیحیان سریانی زبان به آنها رسیده باشد» (همان، ۱۳۴).

ظاهراً دلایل این دانشمندان زبان‌شناس در ایراد این نظر سه چیز بوده است:

(۱) وجود واژه‌هایی با تبار مشترک در زبان‌های هم‌خانواده عربی، یعنی سریانی،

۱. قس: بلاشر؛ در آستانه قرآن، ص ۱۶۰، که اقتباس واژه از عبری را ترجیح می‌دهد.

آرامی، عبری و فینیقی (نک: مشکور؛ ۱ / ۴۹)؛ ۲) اختلاف نظر لغت‌شناسان مسلمان در توجیه ریشه و ساخت صرفی واژه آیه (Abrahamov; v,3) نک: بالاتر)؛ و ۳) شباهت نزدیک مفهوم قرآنی آیه با مفهوم عهدینی אֵת (ot) (نک: ۳-۵- مفهوم دینی، در ادامه همین مقاله) و دیگر همزادهای آن در سریانی و آرامی و رایج نبودن مفهوم دینی واژه در کاربرد جاهلی^۱.

از نظر علمی برای رسیدن به این نتیجه که واژه‌ای در عربی قرضی است، صرف وجود همزادی برای آن واژه در زبان‌های سامی دیگر کفایت نمی‌کند (روحانی؛ ۴۴۹-۴۵۰) بلکه به اقرار مینگانا^۲ (p. 80) «... تا آن جا که به ریشه شناسی واژه‌های عمومی مربوط می‌شود، همواره دشوار می‌توان با اطمینان تعیین کرد که واژه به کار رفته در قرآن، مستقیماً از زبان‌های سریانی یا عبری یا حبشی گرفته شده یا این که اصلاً از هیچ کدام آن‌ها مشتق نشده است. هزاران واژه قاموسی [یا مدلول] مادی وجود دارد که در همه زبان‌های سامی به طور یکسان یافت می‌شود و هیچ دانشمند صاحب نظری نیست که قاطعانه بگوید هر یک از آن‌ها از این زبان سامی یا آن دیگری مشتق شده است. این ویژگی به طور خاص در باره الفاظ کهنی مانند «رأس»، «ید» و غیره صدق می‌کند. این کلمات به ریشه مشترک سامی موجود در همه زبان‌های سامی باز می‌گردد.»

اما اختلاف در صیغه کلمه می‌تواند به علت قابلیت ساختار کلمه در تأویل‌های مختلف باشد؛ به ویژه وقتی حروف اصلی کلمه دستخوش ابدال و اعلال شده باشد. نیز بسا اسم‌ها که فعلی هم ریشه با آن‌ها نمی‌شناسیم یا آن که فعل هم ریشه آن‌ها از اسم مشتق شده است.

۲. در شعر حنفا آیه به مفهوم دینی مصطلح در کتاب مقدس به کار رفته است. نک: ادامه مقاله.

حقیقت آن است که مقصود جفری و دیگر خاورشناسان از دخیل دانستن بسیاری از کلمات قرآن و از جمله «آیه»، قرضی بودن مفهوم دینی آن‌ها در قرآن است. آن گونه که آرتور جفری در مقدمه کتاب خود (دخیل، ۹۲) یادآور شده است: علت به کار گیری وام واژه‌ها در قرآن «عدم کفایت واژگان بومی عربی برای بیان اندیشه‌های تازه» دین اسلام بود و این نقیصه با «اصطلاحات آماده و در دسترس»ی برطرف گردید که از روزگاران پیش از اسلام به وسیله قبایل عربی مسیحی شده و یا از طریق تجارت با یهودیان، مسیحیان و ایرانیان وارد زبان عربی شده بودند. به عبارت دیگر استقراض واژگانی در قرآن به سبب مفاهیم و مدلول‌های تازه‌ای ضرورت یافت که قرآن عرضه می‌داشت و اندیشه ساده عربی در آن روزگار با آن‌ها بیگانه بود (قس. الجمل، ۷۴؛ Mingana, 78). بنا بر این مسأله مورد اهتمام خاورشناسان، مفهوم پردازی، آن هم در سطح دینی است؛ چنان که به تعبیر جفری (دخیل، ۹۴)، «گاهی تردیدی نیست که یک واژه قرآنی، ترجمه اصطلاحی از یکی از زبان‌های همزاد است». پیداست که اگر این ملاحظه تنها ملاک در قرضی دانستن واژه باشد، با تعریف علمی از وام واژه همخوانی ندارد؛ زیرا در این حالت، صرفاً مدلول قرضی است، نه دالّ (لفظ). ایزوتسو نظیر همین مسأله را در مورد واژه دینی «نبی» که به عقیده مستشرقان از عبری נְבִיאָה به عاریت گرفته شده است، طرح می‌کند و چنین تصویری را ناشی از اشتباه «کلمه» با «تصور» می‌داند (ایزوتسو؛ ۲۳۳).

مینگانا (p.81) برای تشخیص زبان مبدأ واژه‌های قرضی، ملاک‌هایی برشمرده است. او پس از آن که تأثیرات زبان سریانی بر اسلوب قرآن را در شش حوزه^۱ احصا می‌کند، در مورد واژه‌های عمومی که کهن نیستند یا در همه

۱. این شش حوزه عبارتند از: (۱) نام‌های خاص، (۲) مصطلحات دینی؛ (۳) واژه‌های عمومی؛ (۴) رسم الخط؛ (۵) ساختمان جمله؛ (۶) ارجاعات تاریخی بیگانه.

زبان‌های سامی وجود ندارند بلکه فقط در برخی از آن‌ها یافت می‌شوند، به معیارهایی اشاره می‌کند که در تعیین زبان مأخذ یاری می‌رسانند؛ این معیارها عبارتند از:

(۱) معیار کلی در باره همه این کلمات، اعم از مادی و تجریدی، در نظر گرفتن اصول دستوری و واژگانی هر یک از زبان‌های سامی و تطبیق دادن واژه قرآنی با آن‌هاست؛ (۲) در مورد واژگان مادی باید به تاریخ و جغرافیا و مکان‌نگاری سرزمین در میان هر یک از اقوام سامی مراجعه کرد و دید تا چه حد این کلمات قرآنی با آن‌ها سازگاری دارد؛ (۳) در مورد واژگان تجریدی باید در نظر گرفت که کدام یک از اقوام سامی زودتر تمدن ادبی پیدا کرده است و کدام یک بنا به جبر شرایط یا نزدیکی به حجاز ترجیحا تأثیر مستقیمی بر زبان قرآن در این یا آن رشته ادبی گذاشته است.

برای داوری در باره واژه «آیه»، باید در نظر گرفت که آیه در قرآن هم در معنای دینی و هم در معنای غیر دینی (یوسف: ۳۵؛ شعراء: ۱۹۷، ۱۲۸) به کار رفته است؛ و این واژه در معنای غیر دینی واژه‌ای عمومی محسوب می‌شود. وجود صورت‌های گوناگون این واژه در بیشتر زبان‌های سامی^۱ شاهدهی است بر این که این کلمه به خزانه مشترک سامی تعلق دارد. از لحاظ دستوری و واژگانی هیچ یک از زبان‌شناسان توجیهی به دست نمی‌دهد که چگونه ساختار لفظ آیه با قواعد دستوری سریانی یا عبری منطبق‌تر است تا با قواعد صرف عربی. میان واژه سریانی *ā tā* *ṣāṣ* یا واژه عبری *ot* *תֹּת* و واژه آیه نیز از لحاظ آوایی یا شکل نوشتاری مطابقت تام وجود ندارد تا با تکیه بر آن، این کلمه را وام گرفته از سریانی یا عبری تلقی کنیم. از لحاظ اصالت داشتن مفهوم در سریانی یا عبری نیز باید گفت: اولاً مدلول مادی (غیر دینی) آیه (مطلق نشانه)، مفهومی که در

۲. در واژگان حبشی همزادی برای آیه نیست.

عربی بی سابقه باشد نیست تا به این اعتبار بتوان لفظ آیه را واژه‌ای قرضی به حساب آورد؛ ثانیاً بعید نیست که پیش از اسلام، برخی مفاهیم دینیِ یهودی‌مسیحی آیه بر اثر مجاورت عرب‌ها با این فرهنگ‌ها از آنها اخذ شده و بر دوش واژه عربی آیه نهاده شده باشد (آذرنوش؛ «آیه»، دبا)؛ چنان که در برخی اشعار جاهلی نیز چنین مفهومی یافت می‌شود (نک. ادامه همین مقاله). ثالثاً با آن که برخی از همین مفاهیم آشنای یهودی-مسیحی در قرآن به کار رفته است؛ این بدان معنا نیست که تصور قرآنی آیه دقیقاً منطبق بر مرزهای مفهومی این واژه در کتاب مقدس است بلکه پژوهش در مفهوم قرآنی آیه نشان می‌دهد که قرآن علاوه بر انعکاس برخی مفاهیم دینی واژه عبری אֵיָהּ (ot) ، ابعاد تازه‌ای نیز به این مفهوم افزوده و آن را گسترش داده است.

بنا بر این با هیچ یک از اعتباراتی که مینگانا برشمرده است، نمی‌توان واژه آیه را دخیل دانست بلکه صرفاً می‌توان گفت: حوزه معنایی این واژه در انتقال از دستگاه واژگان پیش از اسلامی به دستگاه واژگان قرآن، تحول یافته و حامل معانی جدید (دینی) شده است که با معنای عمومی لفظ بیگانه نیست. تطور مدلول کلمات پدیده زبانی رایجی است و در مقوله استقراض واژگان قرار نمی‌گیرد.

۳- کاربردها و مفاهیم آیه در دوره پیش از اسلام

۳-۱- منبع شناسی

منابع ما در این بررسی، مجموعه عهد قدیم و کتاب‌هایی است که شعر جاهلی را گزارش کرده‌اند؛ از جمله دیوان‌های شعرای جاهلی، *الشعر و الشعراء ابن قتیبه*، *اغانی ابوالفرج اصفهانی*، کتب *جاحظ*، *الاولئ و الصناعتین ابوهلال عسکری*، *زهر الآداب قیروانی*، *ربیع الابرار زمخشری و خزانه الأدب بغدادی*. پس از آن،

کتابهای لغت که شواهد شعری را ذیل واژه‌ها ذکر می‌کنند، از جمله *الجمیم* ابو عمرو شیبانی، *العین خلیل*، *الزاهر ابن انباری*، *جمهره ابن درید* و *النهاية ابن اثیر* مورد توجه قرار گرفته است. خاورشناسان عمدتاً برای اشعار جاهلی ارزش اثباتی چندانی قائل نیستند (Mingana, 77) و از این رو در بحث‌های خود کمتر به این اشعار استناد کرده‌اند. از نظر ما همچنان که نباید در اعتماد به میراث ادب جاهلی مبالغه کرد، نیز نباید آن را به کلی نادیده گرفت و سراسر مجعول خواند. به گفته ایزوتسو (ص ۱۴۲) حتی اگر برخی اشعار جاهلی را هم جعلی بدانیم، لابد اصلی وجود داشته است که این اشعار بر پایه آن اصل جعل و به شخصیت‌های خاصی نسبت داده شده‌اند.

۲-۳- بسامد واژه

واژه عبری *אֹת (ot)* و جمع آن *אֹתוֹת (otot)* در کتاب مقدس روی هم رفته ۷۹ بار به ترتیب زیر به کار رفته است: در *تورات* ۳۹ بار، در کتب انبیا (نبییم) ۳۰ بار و در کتوبیم ۱۰ بار. علاوه بر این در کتاب *دنیال* سه بار لفظ آرامی *אָת* (*āt*) به کار رفته است. از میان کاربردهای واژه در *تورات*، در *سفر پیدایش* واژه *אֹת (ot)* شش بار در معانی غیر دینی به کار رفته است؛ این کلمه، در *سفر خروج* و *تثنیه* بیش از هر جای دیگر در معنای دینی به کار رفته است (به ترتیب ۱۶ و ۱۲ بار)؛ در *سفر اعداد* این کلمه سه بار در معنای غیر دینی و دو بار در معنای دینی استعمال شده است و در *لاویان* اثری از این واژه دیده نمی‌شود.

در مورد بسامد آیه در شعر جاهلی، به علت این که اندکی از آن اشعار به ما رسیده است، نمی‌توان اظهار نظر دقیقی کرد. اما چنان که در ادامه خواهیم دید، جستجوی نشانه‌های به جا مانده از منزلگاه محبوبه شاعر و زاری بر آن، مشهورترین مضمون در نسیب قصیده‌های جاهلی بوده است. علاوه بر این،

برخی قالب‌های تکرار شونده مانند «بآیه...» یا «ألا أبلغ فلاناً آیه» کما بیش قابلیت آن را داشته‌اند که به طور گسترده استفاده شوند. بیشتر این کاربردها در دوره پس از اسلام، به تدریج از بین رفتند و این واژه بیشتر در معانی جدیدی به کار رفت که پیش از اسلام رایج نبود.

۳-۳- جانشین‌های معنایی

واژه‌ای که در عهد قدیم در بافتارهای مشابه جانشین واژه *אוֹת* (*'ot*) شده است و تقریباً همان مفهوم دینی را افاده می‌کند، *מוֹפֶת* (*mofet*) و جمع آن *מוֹפְתִים* (*mofetim*) است. این واژه که به معنای معجزه، نمونه، نشانی، دلیل، چیز شگفت‌انگیز، نادره، اعجوبه (نک. حییم؛ ذیل واژه] است، پس از واژه *אוֹת* (*'ot*)، پربسامدترین کلمه‌ای است که در عهد قدیم در مفهوم آیه به کار رفته است. فرهنگ عبری کتاب مقدس کینگ جیمز^۱ این واژه را اسم مشتق (اسم مفعول) از فعل "פָּהַ" (*yāfa*) (به معنی خوب و زیبا شدن) در مفهوم شیء برجسته و بارز، شگفتی؛ و در مفهوم ضمنی نشان (*token*) یا نشانه هشدار آمیز (*omen*) معرفی کرده است. در عهد قدیم دو واژه *מוֹפֶת* و *אוֹת* گاه به یکدیگر عطف می‌شوند^۲ و گاه در بافتاری کاملاً مشابه به جای یکدیگر به کار می‌روند^۳ (cf. Friebe, 28).

واژه‌های *נִפְלְאוֹת* (*niflā'ot*) به معنای عجایب و *פְּלֵא' (pele')* به معنای شگفتی، کار خارق‌العاده یا عجیب از دیگر جانشین‌های معنایی آیه در کتاب

1. Hebrew Dictionary of the King James Bible

۱. نک: خروج ۷: ۳۳؛ تثویه ۴: ۳۴، ۶: ۲۲، ۷: ۱۹، ۱۳: ۲، ۳: ۲۶، ۸: ۲۸، ۱۱: ۳۴؛ اشعیا ۸: ۱۸، ۲۰: ۳؛ ارمیا ۳۲: ۲۰، ۲۱؛ مزامیر ۷۸: ۴۳، ۱۰۵: ۲۷، ۱۳۵: ۹؛ نحمیا ۹: ۹؛ ۱۰.
۲. نک: خروج ۴: ۲۱، ۷: ۹، ۱۱: ۹، ۱۰: ۱۰؛ اول پادشاهان ۱۳: ۳، ۵: ۵؛ حزقیال ۱۲: ۶، ۱۱: ۲۴، ۲۷: ۲؛ یونیل ۲: ۳۰؛ زکریا ۳: ۷۸؛ مزامیر ۱۰۵: ۵؛ اول تواریخ ایام ۱۶: ۱۲؛ دوم تواریخ ایام ۳۲: ۲۴، ۳۱.

مقدس است، هر چند میان تصوره‌های آن‌ها تفاوت زیادی وجود دارد (*Judaica*),
 .(xii, 73).

واژه‌های دیگری نیز در بافتارهای مشابه جانشین واژه‌های مذکور می‌شوند
 و گاهی نیز با آنها همنشین می‌گردند که عبارتند از: מוראים (*mōrā'im*)،
 جمع מורא (*mōrā*) به معنای ترس، خوف، هیبت، کار شگفت‌آمیز و موجب
 وحشت، יד הַיָּדָהּ (*yād ha-zāqā*) به معنای دست قوی، ירוע בַּטּוֹיָה
 (*zerōa' netōyā*) به معنای بازوی برافراشته، מִסֹּת (*masōt*)، جمع מִסָּה
 (*masā*) به معنای آزمایش، تجربه، امتحان، מִפְּאֵה (*ma'ase*) (در اضافه به
 یهوه یا الوهیم)، به معنای عمل یا فعل الهی.

هر یک از این واژه‌های جانشین، در واقع جنبه‌ای از مفهوم دینی אֹת (*ot*)
 به شمار می‌رود و بررسی آن‌ها تصور دقیق‌تری از مفهوم دینی آیه در عهد قدیم
 فراهم می‌سازد.

۴-۳- مفاهیم غیر دینی

۴-۳-۱- علامت شناسایی

الف- در کتاب مقدس

در سفر پیدایش (۱/ ۱۴) آمده است که خداوند خورشید و ستارگان را «جدا
 کننده روز و شب و برای آیات و زمان‌ها و روزها و سال‌ها» قرار داد؛
 بنی اسرائیل فرمان می‌یابند که در شب خروج از مصر سر در خانه‌های خود را با

خون بره قربانی رنگین کنند تا عذاب الهی ساکنان خانه‌هایی را که چنین علامتی دارند گرفتار نسازد (خروج، ۱۲/۱۳).

ب- در شعر جاهلی

نشانه‌های به جا مانده از منزلگاه محبوب، در اشعار جاهلی «آیه» نامیده شده است. مثلاً در این بیت از عروة بن الورد، اشیایی مادی، نشانهٔ محبوبهٔ شاعر تلقی شده است که خاطرات او را در ذهن شاعر زنده می‌کند:

(۱) عفت بعدنا من أم حسانَ غُضُورٌ و فی الرَّمْلِ منها آیهٌ لا تَغیِّرُ

(یاقوت؛ ۴/۱۹۷، ۲۰۶)

«پس از جدایی ما [آثار] ام حسان از ناحیه «غُضُور» محو گردید و اینک در ریگزار نشانه‌ای از آن باقی است که دگرگون نمی‌شود.» شعر زیر از امرؤ القیس همین مضمون را بیان می‌دارد:

(۲) لَمَنْ طَلَّلَ دَرَسَتْ آیهٌ و غیْرَه سالَفُ الأَحْرَسِ

تَنَكَّرَه العینُ من حادِثٍ و یَعْرِفُه شَغَفُ الأَنْفَسِ

(قیروانی؛ ۱/۲۸۵)

«آن ویرانه‌ای که نشانه‌هایش محو گردیده و روزگاران گذشته آن را دگرگون ساخته از آن کیست؟ این حوادث را چشم باز نمی‌شناسد؛ در عوض، شوری که در جان من است آن را می‌شناسد.» شعر دیگر از زهیر بن ابی سلمی (یا کعب بن زهیر) است:

(۳) أ من أم سلمی عرفت الطلولا بذی حُرُضٍ ماثلات مثولا

بَلِینَ و تحسبُ آیاتِهِن... ...ن عن فَرَطٍ حولین رقاً مُحیلا

(ابو الفرج؛ ۱۰/۴۵۱)

«آیا آن ویرانه‌های متعلق به ام سلمی را در ذی حُرُض شناختی که هنوز پابرجاست^۱؟ [آن ویرانه‌ها] فرسوده گشته‌اند و اینک نشانه‌های آن‌ها را به سبب گذشت دو سال از آن ایام همچون پوست نوشته‌ای کهنه می‌پنداری.» اینک شاهد دیگری از لقیط بن زرارۀ تمیمی:

(۴) لَمَنْ دِمْنَةٌ أَقْفَرَتْ بِالْجَنَابِ إِلَى السَّفْحِ بَيْنَ الْمَلَا فَالْهَضَابِ
بِكَيْتٍ لِعِرْفَانِ آيَاتِهَا وَ هَاجَ لَكَ الشُّوقَ نَعْبُ الْغُرَابِ
(همو؛ ۲۲/۴۰۳)

«آثار منازلی که از «جناب» تا «سفح»، میان «ملا» و پس از آن «هضاب» امتداد دارد و اینک خالی مانده است، متعلق به کیست [که] از شناسایی نشانه‌های آن‌ها به گریه افتادی و بانگ کلاغ اشتیاقی در تو برانگیخت؟»
أبو صخر هذلی آیات منزلگاه لیلی را این گونه وصف می‌کند:

(۵) لَلِيلِي بَدَاتِ الْجَيْشِ دَارٌ عَرَفْتُهَا وَ أُخْرَى بَدَاتِ الْبَيْنِ آيَاتُهَا سَطْرٌ
كَأَنَّهِنَّ الْآنَ لَمْ يَتَغَيَّرَا وَ قَدْ مَرَّ لِلدَّارَيْنِ مِنْ بَعْدِنَا عَصْرٌ
(قبروانی؛ ۳/۷۹۸)

«لیلا را در ذات الجیش سرایی است که آن را می‌شناسم و سرایی دیگر در ذات البین که نشانه‌های آن همچون نوشته‌هایی به نظر می‌رسند. تو پنداری که آن دو سرا هم اکنون هیچ دگرگونی نیافته‌اند حال آنکه دیرزمانی از آخرین دیدار ما از این مکان گذشته است.»

حارث بن شریک شیبانی:

(۶) لَمَنْ الدِّيَارُ بِجَانِبِ الْعَمْرِ آيَاتُهُنَّ كَوَاضِحِ السَّطْرِ

۱. برای قرائت‌های دیگر، نک. لسان؛ ذیل «م‌ثل».

(جاحظ؛ البرصان، ۱۸۲)

«آن خانه‌های واقع در کنار «غمر» متعلق به کیست که نشانه‌هایشان به نوشته‌های روشن می‌ماند.»

عامر بن المجنون الجرمی (مدرج الریح):

(۷) لابنة الجنی فی الجو طلل دارسُ الآیاتِ عافِ كالخلل

درسته الریح من بین صبا و جنوبِ درجتِ حیناً و ظل

(ابو الفرج؛ ۳ / ۹۱)

«دختر جنی را در فضا ویرانه‌ای است که نشانه‌های آن همچون زمین بی‌گیاه، از بین رفته و پاک شده است. بادهای صبا و جنوب که گاه بر آن می‌وزند و گاه باران بر آن می‌بارد این منزلگاه را فرسوده‌اند.»

در بیت زیر شاعر، اعشی میمون بن قیس، علامتی را که برای میعادگاه معین می‌شود، آیه نامیده است^۱:

(۸) فلما التقینا علی آیهٍ و مدتِ إلیّ بأسبابها

(همو؛ ۱۱ / ۲۵۹)

«پس چون نزد علامتی با یکدیگر دیدار کردیم و ...»

۲-۴-۳- علم و بیرق

الف- کتاب مقدس

در مزامیر (۴-۳ / ۷۴) علم‌ها و بیرق‌هایی که برای نشانگذاری لشکرها به کار می‌روند אֹתוֹת (otot) نام گرفته‌اند: «دشمنانت در میان جماعت تو غرش

۱. در دیوان اعشی به صورت «فلما التقینا علی بایها» ضبط شده است.

می کنند و علم‌های خود را برای علامات بر پا می نمایند». از آنجا که بیرق برای گرد آوردن افراد قبیله یا لشکر در کنار یکدیگر است؛ این مفهوم در سفر/شعیبا (۱۹/۶۶) برای کسی که همین نقش را ایفا می کند و قوم پراکنده بنی اسرائیل را به دور خود گرد می آورد، استعاره شده است: «و آیتی در میان ایشان بر پا خواهیم داشت». در سفر/اعداد (۲/۲) بیرق‌های خانوادگی اسباط را «نشان‌های خاندان پدری» می خوانند؛ گرچه ممکن است این نشان‌ها اشاره به سنگ‌هایی باشد که هریک مشخص کننده یکی از اسباط بوده‌اند و در سفر/خروج (۲۸/۱۷-۲۱) ویژگی آنها ذکر شده است؛ در این صورت مفهوم آیه در این جا «علامت شناسایی» خواهد بود.

ب- شعر جاهلی

چنین کاربردی در شعر جاهلی شناخته شده نیست اما حدس زده می شود که «آیه» در این بیت:

خرجنا من النقبین لا حیّ مثلنا
بأیتنا نُزجِی اللّٰعاحِ المَطافِلا

به معنای رایت و پرچم باشد (آذرنوش؛ «آیه» در دب). نک. ادامه مقاله، بیت شماره ۱۵.

۳-۴-۳- دلیل یا نشانه امر غیر مادی

الف- کتاب مقدس

در کتاب ارمیا (۳-۲/۱۰) نشانه‌های فلکی که منجمان و فالگیران از روی آنها به پیشگویی می پرداختند و بر اساس آن به مردم بیم و امید می دادند، «آیات افلاک» نام گرفته و این سنت رسمی باطل و پوچ اعلام شده است. سراینده مز/میر یاری و حمایت خداوند را «آیت احسان» او می نامد و آن را طلب می کند تا بدخواهانش با دیدن آن خجل گردند (۱۷/۸۶). در سفر/یوب (۲۹/۲۱) تأخیر عقوبت شریران

به پس از مرگ ایشان، واقعیتی انگاشته شده که با جستجو در آثار و اخبار گذشتگان تأیید می‌گردد؛ ایوب این دلایل تجربی را انکار ناپذیر می‌نامد.

ب- شعر جاهلی

در شعر جاهلی نیز گاهی آیه به معنای دلیل به کار رفته است. ابیات زیر از معلقه حارث بن حلزة یشکری است (ابیات ۵۰ و ۵۱) که در آن می‌خواهد دل عمرو بن هند را به دست آورد و مواردی از خدمات قبيله خود به پادشاه را برمی‌شمرد:

(۹) مَنْ لَنَا عِنْدَهُ مِنَ الْخَيْرِ أَيَا.. ت ثلاثٌ فِي كَلِّهِنَّ الْقَضَاءُ
 آيَةُ شَارِقِ الشَّقِيقَةِ إِذْ جَا.. ءءوا جَمِيعاً لِكُلِّ حَى لَوَاءُ
 (همو؛ ۳۲ / ۱۱)

«کسی (عمرو بن هند) که سه نشانه از نیکی ما در حق او هست که هر سه شاهد (بر دوستی ما با وی) داوری قطعی دارد: نشانه (اول) نبرد شارق شقیقه است؛ هنگامی که همه تیره‌ها در رسیدند و هر یک رایتی به همراه داشت...»
 گاهی پدیده‌ای محسوس، نشان و مؤید حالت، خو یا وصفی در شخص است. رشید بن رمیض العنزی:

(۱۰) لَقَدْ زَرَقْتَ عَيْنَاكَ يَا ابْنَ مُعْكَبِرٍ كَمَا كُلُّ ضَبِيٍّ مِنَ اللَّؤْمِ أَزْرَقُ
 وَ لِلَّؤْمِ فِيكُمْ آيَةٌ يُهْتَدَى بِهَا كَمَا لَاحَ مَشْهُورٌ مِنَ الْخَيْلِ أَبْلَقُ
 (زمخشری؛ ۴ / ۴۲۵)

«ای ابن معکبر چشمانت کبود است همچنان که همه اهل قبيله بنی ضبه از سر پستی و لثامت کبود چشمنند. در شما نشانه‌ای است که بر فرومایگیتان دلالت می‌کند؛ آن چنان که اسب ابلق که همه آن را می‌شناسند از دور می‌درخشد.» در اینجا کبودی چشم دلیل پستی و لثامت شخص محسوب شده است.

در شواهد شعری زیر، صورت «بأية» به کار رفته است که ظاهراً کاربرد رایجی بوده است. ابن منظور با اشاره به این کاربرد، آن را به معنای «بعلامة کذا و أمارته» و از اسم‌های مضاف به فعل^۱ می‌داند و شاهدهی نیز ارائه می‌دهد:

(۱۱) بآية يقدمون الخيل شعثاً كأن علي سنابكها مدا
(لسان؛ ذیل «ای»)

«به این نشانه که اسبان خاک آلود و ژولیده را پیش می‌رانند و آن چنان [کوفته بودند] که [از آمیختن عرق با خون] پنداری سم‌های آن‌ها به شراب آلوده است.» شاهد دیگر، این بیت از یزید بن عمرو بن الصعق است:

(۱۲) ألا أبلغ لَدَيْكَ بنى تميم بآية ما يحبون الطعاما^۲
(ابو الفرج؛ ۴۰۳/۲۲)

«به بنی تمیم که نزد تو ساکنند ابلاغ کن به نشانه آن که ایشان به غذا علاقه دارند.» در اینجا «ما يحبون الطعاما»، یعنی علاقه‌شان به غذا، همچون نمادی از یک واقعه است و شاعر با ذکر آن می‌خواهد واقعه مذکور را یادآوری کند. بیت زیر از جنوب، خواهر عمرو ذی‌الکلب، نیز همین معنا را افاده می‌کند:

(۱۳) وقالوا: قتلناه في غارة بآية أن قد ورثنا النبألا
(قبروانی؛ ۸۵۱/۳)

۱. ابن هشام موصول حرفی «ما» را در تقدیر می‌گیرد. نک. بغدادی؛ ۲: ۴۳۱-۴۳۲.

۲. بغدادی (۲: ۴۳۳) روایت دیگری از این شعر را از ابن السید نقل کرده است که در آن، قافیه مجرور است: «بآية ما بهم حب الطعام»؛ همچنین سیوطی در شرح شواهد معنی به نقل از ابو محمد سیرافی آورده است: ألا أبلغ لَدَيْكَ بنى تميم ... بآية ذكرهم حب الطعام / أجارتها أسيد ثم غارت ... بذات الضرع منه والسنام (همانجا).

«گفتند او را در شبیخونی کشتیم و نشانه آن این تیرهاست که از او به دست آورده‌ایم.» در اینجا تیرهای عمرو که یغماگران آن را به خواهرش نشان می‌دهند، حکایت از واقعه قتل او دارد. «بآیه ...» در این مثال‌ها مفهوم «دادن نشانی چیزی برای مشخص ساختن آن نزد مخاطب» را می‌رساند. شعر زیر از اسحاق بن ابراهیم موصلی، موسیقیدان و شاعر دوره عباسی، این دریافت ما را تأیید می‌کند:

أَلْكُنَى إِلَيْهَا عَمْرُكَ اللَّهُ يَا فَتَى بَأْيَةِ مَا قَالَتْ مَتَى هُوَ رَائِحُ
 وَ آيَةٍ مَا قَالَتْ لَهْنَ عَشِيَّةً وَ فِي السَّتْرِ حَرَاتِ الْوَجُوهِ مَلَائِحُ
 تَخْيِرْنَ أَرْمَاكِنَ فَرَمِينَ رَمِيَةً أَخَا أَسَدٍ إِذْ طَرَحَتْهُ الطَّوَارِحُ
 (ابو الفرج؛ ۲۵۴ / ۵)

«ای جوان که خدا تو را عمر دراز دهد! پیغام مرا به او برسان، به همان کسی که گفت «او کی می‌رود؟» و به این نشان که شبی به زنان نمکین سیمایی که در پس پرده بودند می‌گفت چیره دست‌ترین تیرانداز خود را برگزینید و مرد اسدی را نشانه بگیرید ...»

أمیة بن ابی الصَّلْت که شاعری جاهلی و ظاهراً از حنفا بود، در قطعه شعری که ما دو بیت از آن را نقل می‌کنیم، حوادث پس از طوفان نوح را شرح می‌دهد. وی بر این گمان بوده است که در آن دوران اشیاء و حیوانات سخن می‌گفته‌اند. شاعر با عبارت «بآیه قام ینطق کل شیء» به دورانی بس دور اشاره می‌کند؛ یعنی زمانی که بر اثر طوفان سراسر زمین در گل نشسته بود. سپس به داستان فرستادن کبوتر برای یافتن منطقه‌ای مناسب پهلو گرفتن کشتی اشاره می‌کند. کشتی نشینان وقتی نشانه‌هایی را که کبوتر با خود آورده بود، یعنی میوه‌ای که به آن گل و لای چسبیده بود، بررسی کردند، به راستی خبر او واقف شدند و به رسم قدردانی برای او طوقی ساختند.

(۱۴) بآیة قام ينطق كلُّ شيءٍ و خان أمانةً الدَّيْكَ الغرابُ

فلما فرّسوا الآياتِ صاغوا لها طوقاً كما عُقد السَّخَابُ
(جاحظ؛ الحيوان، ۴/ ۳۵۵)

برج بن مُسهر طائی سروده است:

(۱۵) خرجنا من النَّقْبين لا حىّ مثلنا بآيتنا نُزجى اللقاحِ المطافلا
(ابن انباری؛ ۶۲)

«از منزلگاه نقبین خارج شدیم، در واقع هیچ عشیره‌ای مانند ما نبود؛ به این نشان که شتران باردار را همراه بچه‌هایشان در پیش روی خود می‌رانند.» لغویان «آیه» را در این بیت به معنای «جماعت» گرفته‌اند (نک. بغدادی؛ ۳: ۱۳۷). بر این اساس معنای بیت چنین خواهد بود: با جماعت خود از نقبین خارج شدیم، حال آن که هیچ قبیله‌ای چون ما نبود؛ شتران باردار را که بچه‌های خود را همراه داشتند پیش می‌رانند. این قول را ابن فارس در معجم (ذیل «أی»)، به خلیل (م ۱۷۵هـ) نسبت می‌دهد.^۱ در نسخه موجود از العین چنین مطلبی دیده نمی‌شود و کسی که در کتب قدیمی‌تر این قول به او نسبت داده شده است، ابوعمر و شیبانی (م ۲۱۳ یا ۲۱۶هـ) است که در کتاب الجیم (۱/ ۵۷) می‌نویسد: «خرجوا بآیتهم، إذا خرجوا بأهلهم و أمتعتهم». ابن قتیبه (غریب، ۳۵) در توجیه تسمیه فقرات قرآنی به آیه می‌نویسد: «والآیة جماعة الحروف، قال الشیبانی: و هو من قولهم: خرج القوم بآیتهم، أی بجماعتهم» (قس. ابن انباری؛ ۶۲). چنین تفسیری از بیت ابن مسهر دستمایه کسانی قرار گرفت که به دنبال توجیه لغوی کاربرد آیه در مورد فقره قرآنی بودند؛ آنان با تمسک به این بیت و تفسیر ابو عمرو از آن،

۱. همچنین از اصمعی نقل می‌کند که «آیة الرجل شخصه».

مدعی شدند فقرات قرآن از آن رو آیه نامیده شده‌اند که جماعتی از حروفند (قس: بغدادی؛ همان جا به نقل از ابن سکیت؛ ابن انباری؛ همان جا^۱). اما این معنا، چنان که علی بن حمزه بصری لغوی (م ۳۷۵) در *التنبيهات على أغلاط الرواة* متذکر شده است، با مفهوم اساسی واژه (علامت و نشانه) هیچ رابطه‌ای ندارد. وی قول ابن سکیت در *اصلاح المنطق* را رد کرده می‌نویسد: «وإنما الآية العلامة، لا جماعة حروف... فكأن الآية من كتاب الله علامة يفيض منها إلى غيره، كأعلام الطريق المنصوبة للهداية» (ترجمه: آیه صرفاً علامت است، نه گروهی از حروف... تو گویی هر آیه از کتاب خدا علامتی است که از آن به چیزی دیگر دست یافته می‌شود؛ همانند نشانه‌هایی که در راه برای راهنمایی رهگذران نصب می‌شوند) (بغدادی، همان جا). علاوه بر این، چنان که گفتیم، بیت مذکور قابلیت تأویل‌های دیگر را نیز داراست. احتمال دارد که لغویانی چون ابن سکیت این معنا را از واژه سریانی *ܐܬܐ (ātā)* اقتباس کرده باشند؛ زیرا همچنان که گفتیم یکی از معانی این واژه در سریانی «حرف الفبا» است ولی همان طور که نولدکه تأکید می‌کند (ص ۳۰۵، پاورقی ۲۴۹)، آیه در عربی به این معنا به کار نرفته است.

اما در مورد وجه تسمیه فقرات قرآن به آیه، به نظر می‌رسد این نام به تبع قرآن که وحی خداوند به رسولان را «آیات الله» می‌نامد، از این تعبیر قرآنی اقتباس شده^۲، نه آنکه به طور مستقیم از آیه به معنی نشانه و علامت گرفته شده باشد؛ لذا درست نیست که بخواهیم برای آن از معنای لغوی کلمه وجهی بجوئیم.

۲. وی سه وجه برای تسمیه فقرات قرآنی به آیه ذکر می‌کند. از قول ابو عبیده می‌نویسد: «فمعنى الآية: أنها علامة لانقطاع الكلام الذى قبلها و الذى بعدها». قول دوم «جماعت و گروهی از قرآن» است و قول سومی که از خود می‌افزاید آیه به معنی عجب (=شگفتی) است «من قولهم: فلان آیه من الآيات، أى: عجب من العجائب». قس: *لسان*؛ ۱۴/ ۶۲.

۱. برای مثال «تلك آيات الله تتلوها عليك بالحق» (بقره: ۲۵۲؛ آل عمران: ۱۰۸).

توجهات لغویان در این باره نیز تکلف آمیز است (نک: ابن انباری؛ همانجا؛ ابن اثیر؛ ۸۷/۱).

۴-۳- ضمان عهد

الف- کتاب مقدس

در سفر پیدایش (۱۵/۴) آمده است که خداوند «به قائن (قابیل) نشانه‌ای داد که هر که او را یابد وی را نکشد». در همین کتاب (۱۲/۹، ۱۳ و ۱۷) رنگین کمان «آیت میثاق» خداوند با بشر نامیده شده است. بر اساس کتاب مقدس، خداوند پس از هلاک جانداران روی زمین در طوفان، با همه جانداران عهد می‌بندد که «بار دیگر هیچ ذی‌جسدی از آب طوفان هلاک نشود و طوفان بعد از این نباشد تا زمین را خراب کند»؛ آنگاه برای این میثاق نشانه‌ای قرار می‌دهد:

قوس خود را در ابر می‌گذارم و نشان آن میثاقی خواهد بود که در میان من و جهان است (پیدایش، ۱۳/۹)

سنت ختنه در تورات نشانه عهدی است میان ابراهیم و فرزندانش با خداوند که ایشان را وعده‌زادگان بسیار و تملیک کنعان می‌دهد (پیدایش، ۱۷). مختون کردن فرزندان گواه التزام فرد عبرانی به میثاقش با خداوند است. هر کس که این سنت را مرعی ندارد، از قوم خدا محسوب نخواهد شد؛ زیرا عهد یهوه را شکسته است (همان، ۱۷/۱۴).

و گوشت غلفه خود را مختون سازید تا نشان آن عهدی باشد که در میان من و شماست (پیدایش، ۱۷/۱۱)

در سفر یوشع آمده است که دو مرد از یاران یوشع که برای جاسوسی به اریحا وارد شده بودند در خانه زنی به نام راحاب پناه می‌گیرند و راحاب که آنان

را از دست تعقیب‌کنندگان رهانیده است، از آنان برای تحت‌الحمایه قرار دادن خانواده‌اش تعهد می‌گیرد و بر این عهد «آیت اطمینان بخش»^۱ می‌طلبد. یاران یوشع ریسمانی قرمز رنگ به آن زن می‌دهند تا آن را بر دریچه خانه‌اش ببندد و این ریسمان نشان پیمانی میان ایشان با راحاب است (یوشع، ۲/ ۱۲-۱۵).

ب- شعر جاهلی: در شعر جاهلی کاربرد مشابهی یافت نشد.

۵-۴-۳- پیام

الف- کتاب مقدس

چنین کاربردی در کتاب مقدس یافت نمی‌شود اما در نامه‌های لاختیش^۲ واژه אַיָּה (ot) در مورد آتشی به کار رفته است که نظامیان از آن برای علامت دادن و ارسال پیام استفاده می‌کرده‌اند ("Āya"; Jeffrey).

ب- شعر جاهلی

در ابیات زیر آیه مفهوم «پیام» به خود گرفته است. در اشعار جاهلی و دوره کلاسیک، قالب بیانی «ألا أبلغ / أبلغا (عنی) فلاناً آیه / رسالة»^۳ یا «أبلغ فلاناً

۱. אַיָּה אַיָּה

۲. Lachish Letters تعداد ۲۱ نامه سفالین که در حفاری‌های باستان‌شناسی طی سال‌های ۱۹۳۲-۱۹۳۸

نزدیک دروازه اصلی شهر باستانی لاختیش (تل‌الدویر کنونی)، واقع در ۳۰ مایلی جنوب اورشلیم، در لایه‌ای سوخته مربوط به ویرانی این شهر به دست بابلیان (در سال ۵۸۶ ق.م.) کشف گردید. این نامه‌ها با مرکب و به حروف عبری نگاشته شده‌اند (برای اطلاع بیشتر نک. www.formerthings.com/lachish.htm؛

www.everything2.com/title/Lachish+letters).

۳. در این بیت از حاتم طائی: ألا أبلغا وهم بن عمرو رسالة

(این قتیبه؛ شعراء، ۱/ ۲۳۸)

و این شعر از عمرو بن کلثوم: ألا أبلغ التعمان عتی رسالة

(ابوهلال عسکری؛ الصناعتين، ۲۸۴)

و نیز این بیت از کعب بن زهیر: ألا أبلغا عني بـُـجیراً رسالة

علی آئی شیء وئب غبرک دلکا

(ابن اثیر؛ ۵/ ۲۳۵)

رسولاً/مألکة^۱ قالبی آشنا و پرکاربرد بوده است و از مقارنه میان موارد فراوان مشابه می‌توان نتیجه گرفت که «أبلغ فلانا آية» به معنای «أبلغه رسالة» است:

عوف بن الخرع، شاعر جاهلی:

(۱۴) ألا أبلغا عنی جریحة آيةً فهل أنت عن ظلم العشيرة مقصرٌ

(جاحظ؛ البيان و التبيين، ۳/ ۶۰)

«از جانب من به جریحه پیامی برسانید (و بگویند) آیا تو از ظلم به عشیره دست بردار هستی؟»

أبو العاص بن أمية بن عبد شمس:

(۱۵) أبلغ لديك بني أميةً آيةً نصحا مبينا

إنا خلقنا مصلحين ما خلقنا مفسديناً

(ابن عساکر؛ ۳۸/ ۳۳۵)

۱. در این بیت از عدی بن زید: أبلغ التعمان عنی مألکا

قول من قد خاف ظناً فاعتذر

(ابو الفرج؛ ۲/ ۴۰۳)

فأنت من معشر-و الله- أشرار

نیز این بیت از اعشى در واقعه ذی‌قار: أبلغ أبا كلبه التيمي مألکا

(همو؛ ۲۴/ ۲۳۹)

۲. همین مفهوم در ابیات زیر که متعلق به دوره اسلامی است به چشم می‌خورد:

أبلغ معاوية بن صخر آيةً يهوي إليه بما البريد الأعجلُ

و المرء عمراً فأنه بصحيفة مني يلوح بها كتاب منملُ

أنا لقينا بعدكم بديارنا من جانب الأمراج يوماً يسألُ

(ابن عساکر؛ ۶۷/ ۱۲۵)

«به بنی‌امیه که نزد تو ساکنند پیامی مشتمل بر خیرخواهی آشکار (من) برسان (و بگو) ما اصلاحگر آفریده شده‌ایم، نه تبهکار.» شاید بتوان چنین مفهومی را یکی از اجزاء تصور قرآنی آیه وقتی که بر وحی الهی به انبیاء اطلاق می‌شود، در نظر گرفت؛ خداوند پیامبران را به همراه پیام خویش (آیات) به سوی انسان‌ها می‌فرستد و پیامبران مأمور ابلاغ رسالت یا آیات الهی به مردمند.

۵-۳- مفاهیم دینی

مفهوم دینی واژه $\text{ᾠ} \text{ᾠ} \text{ᾠ}$ (ot) همچون دیگر معانی آن، در بر دارنده مفهوم عام «نشانه و علامت» است؛ جز این که این مفهوم را در پیوند با مفاهیم دینی دیگری چون «وحی»، «نبوت» و «ایمان آوردن» القا می‌کند که بار و صبغه معنایی خاصی به این واژه می‌بخشند. بر اثر کثرت استعمال واژه در این حوزه خاص، به تدریج این صبغه دینی بر کاربرد متداول واژه سایه انداخته و مفهومی مستقل از مفاهیم عمومی واژه پدید آورده است؛ به طوری که یکی از معانی اصلی که در کتب لغت در برابر این واژه ذکر می‌گردد همین مفهوم دینی است.

در عهد قدیم، واژه عبری $\text{ᾠ} \text{ᾠ} \text{ᾠ}$ (ot) در یک مفهوم واحد دینی به کار نرفته است بلکه در مواضع مختلف کتاب مقدس لااقل با چهار مفهوم متمایز برای این واژه برخورد می‌کنیم که عبارتند از: (۱) آیه اقصای که دلیلی است بر درستی حقیقتی دینی؛ (۲) آیه تصدیقی که دلیلی است بر درستی پیشگویی نبی؛ (۳) پیشگویی پیامبرانه که در قالب وحی نمادین به پیامبر نموده می‌شود؛ و

و نیز در این شعر از شیبیب بن البرصاء، شاعر دوره اموی، که آن را در هجو عقیل بن علفه سروده است:

ألا أبلغ أبا الجرباء عني	بآيات التباغض والتفالي
فلا تذكر أباك العبدَ و افخر	بألم لست مكرمها و خال

(ابو الفرج؛ ۱۲/۴۶۳)

۴) یادمان‌های آیات بزرگ الهی که به شکل اشیاء، آیین‌ها و جشن‌ها، خاطره اعمال عظیم خداوند در میان بنی اسرائیل را تجدید و احیا می‌کنند. سه مفهوم نخست در اموری چند اشتراک دارند: نخست آن که همگی فعل خداوندند؛ دوم آن که با نبوت (به معنای اخبار از غیب) مرتبطند؛ و سومین وجه مشترکشان کارکرد دالّ بودن و ایمان‌زایی آنهاست. در این بخش ابتدا به بررسی جداگانه این مفاهیم خواهیم پرداخت و سپس خواهیم کوشید وجه جامعی میان آنها بیابیم و برآن اساس تعریفی نسبتاً فراگیر از واژه فنی آیه ارائه دهیم.

۱-۵-۳- آیه اقناعی (مؤید معرفت دینی)

الف- کتاب مقدس

مهم‌ترین تعریفی که می‌توان برای آیه از کتاب مقدس عبری به دست آورد، عبارت «فعل الهی دالّ» است. مدلول این فعل الهی، تأیید و تأکید محتوای وحی است. پیامبر، در برابر کسانی که در راستی پیام وحیانی تردید می‌کنند، به آیه یا آیاتی مجهز می‌گردد و بر حسب ضرورت در مقام احتجاج به آنها متوسل می‌گردد. در عهد قدیم حقایق دینی مورد انکار مردم عموماً در مورد خداوند و رابطه او با عالم مخلوقات، بویژه انسان است؛ بنا بر این آیه نیز حقیقتی دینی را که به این مسائل باز می‌گردد، اثبات می‌کند. در واقع می‌توان گفت آیه اقناعی، فعلی الهی است که به طریقی تجربی، حقیقتی دینی را بر مردم آشکار و حتی ملموس می‌سازد. این مفهوم، شایع‌ترین مفهوم آیه در کتاب مقدس است که در جودائیکا (J.L. "miracle"; xii, 73) چنین شرح شده است: «وقایع غیر عادی و حیرت‌آوری که خداوند برای ظاهر ساختن قدرت و اراده خود در موقعیت‌های خاص، هنگامی که بشر بایستی اقناع گردد پدید آورده است». «یهوه با انجام معجزات نشان می‌دهد که قادر مطلق است و یکتا خداوند است» ["Miracle", CBEOT, 716].

نمونه‌های این نوع آیه در کتاب مقدس فراوان است. در کتاب اول پادشاهان (۱۸/۱۹-۳۹) می‌خوانیم که ایلیا برای اثبات این که یهوه یگانه خدای حقیقی است و همه معبودهای دیگر باطلند، در حضور انبیای بعل و اشیره، امر می‌کند دو گاو را - یکی برای بت‌های آنان و دیگری را برای یهوه- قربانی کنند. آنگاه هر گروه قربانی خود را بر هیزم سرد می‌نهند تا خدای هر یک از آنها با فرستادن آتش، قربانی را پذیرفت، خدای حقیقی باشد. پس از انتظار بسیار، چون از بت‌های قوم عملی سر نمی‌زند، ایلیا دست به دعا بر می‌دارد: «ای یهوه خدای ابراهیم و اسحاق و اسرائیل، امروز معلوم بشود که تو در اسرائیل خدا هستی و من بنده تو هستم... مرا اجابت فرما تا این قوم بدانند که تو، ای یهوه، خدا هستی». در این هنگام آتشی قربانی ایلیا را می‌بلعد و همه حاضران سجده کنان تصدیق می‌کنند که «یهوه خداست».

اما معروف‌ترین آیاتی که در تورات ذکر شده و در سراسر عهد قدیم بارها به آنها اشاره می‌شود، آیاتی است که خداوند در مصر ظاهر ساخت. اولین آنها عصایی بود که به مار تبدیل می‌شد و دیگری سپیدی غیر معمول دست موسی بود وقتی که آن را از گریبان بیرون می‌آورد (خروج ۴: ۲-۹). هدف از نمودن این آیات معمولاً یا با ماده (YD) (دانستن / علم یافتن) تعبیر می‌شود و یا با ماده (AMN) (ایمان آوردن، تصدیق کردن) که در هر صورت کارکرد افتناعی این آیات را روشن می‌سازد (نک. خروج ۴/ ۸-۹، ۷/ ۴-۵، ۱۷). آنگاه که بی‌ایمانی مصریان به این آیات آشکار گشت، خداوند بلاهایی پیاپی بر مصریان نازل کرد (خروج، باب هفتم الی یازدهم) و چون هیچ یک از این بلاها باعث نشد که فرعون بنی‌اسرائیل را رها سازد، شب هنگام که قوم موسی در حال فرار از مصر بودند و لشکر فرعون در تعقیب آنها، با شکافتن دریا، بنی‌اسرائیل از راهی که در برابرشان گشوده شد گذر کردند و فرعون و لشکرش در امواج دریا

غرق گردیدند (خروج ۱۴: ۳۰-۳۱). این واقعه حادثه‌ای سرنوشت‌ساز در تاریخ یهود تلقی می‌شود؛ زیرا خداوند با قدرت قاهر خویش، بنی‌اسرائیل را نجات داد و دشمنان ایشان را هلاک ساخت. در سراسر عهد قدیم، این حادثه همچون مّتی بزرگ که مستلزم شکرگزاری و امتنان همیشگی است، یادآوری می‌شود و نشانه عنایت ویژه یهوه به قوم برگزیده خویش و نفوذ تقدیر او در جهان تلقی می‌گردد. اما خروج از مصر پایان نزول آیات در میان بنی‌اسرائیل نبود؛ زیرا قوم موسی نیز ایمان راستینی به یهوه، خدای قادر و حمایتگر خویش نداشتند و با بروز هر مشکلی، به جای استعانت از یهوه و توکل بر او-که لازمه ایمان به خداوند حیّ و قیوم و قادر مطلق است- احساس نومیدی و بی‌چارگی بر آنان چیره می‌شد و موسی را که باعث بیرون آمدنشان از مصر شده، آنان را در بیابان در دام مهالک افکنده بود، به باد سرزنش و بازخواست می‌گرفتند. بنا بر این خداوند آیات خویش را پیاپی به بنی‌اسرائیل می‌نمایاند، تا ایمان قوم به یهوه، خدای حیّ و قدیر، با مشاهده مستقیم فعل الهی (چه به شکل لطف و رحمت و چه در قالب عذاب و نعمت) استوارتر گردد (خروج، ۱۶/ ۱۱-۱۶ و ۳۲-۳۴، ۱۷/ ۵-۷، سراسر باب‌های نوزدهم و بیست و چهارم؛ اعداد، ۹/ ۱۵-۲۳، ۱۱/ ۱-۲، ۱۲/ ۹-۱۰، ۱۶/ ۲۸-۳۴، ۱۶/ ۴۶-۵۰، سراسر باب هفدهم، ۲۱/ ۱-۳، ۲۱/ ۶) گویی تقدیر خداوند آن بود که این قوم چهل سال در بیابانی که هیچ امکان طبیعی برای معاش در آن یافت نمی‌شود، به سر ببرند و روزی هر روزه خویش را بی‌واسطه از دست خداوند بگیرند تا تصور خدای روزی دهنده قادر قاهر در عمق باورهایشان نقش بندد و به نسل‌های بعد منتقل گردد (تثیبه، ۸/ ۲-۱۸).

در چندین موضع از تورات و کتب دیگر عهد قدیم، نتیجه حاصل یا متوقع از آیه و به عبارتی دیگر، هدف از ارائه آیه، حصول معرفتی معین راجع به خدا ذکر شده است. این معرفت معمولاً خدایی یهوه، برتری یهوه بر دیگر خدایان،

مالکیت او بر جهان، یگانگی یهوه، حضور یهوه در میان بنی اسرائیل و حمایت او از قوم خداست (نک. خروج، ۵/۷، ۱۷؛ ۸/۱۰، ۱۸-۱۹؛ ۹/۱۴، ۲۹، ۱۵-۱۶؛ ۱۰/۱-۲؛ ۱۴/۴، ۳۱؛ ۱۶/۳، ۱۱-۱۲؛ ۱۸/۱۱؛ عدد، ۱۴/۱۱؛ تثنیه، ۴/۳۴-۳۵، ۷/۸-۹، ۱۸-۱۹؛ ۲۹/۵؛ یوشع، ۲۴/۱۶-۱۸؛ اول پادشاهان، ۱۸/۳۶-۳۹، ۲۰/۲۸؛ دوم پادشاهان، ۱۹/۱۷-۱۹؛ حزقیال، ۲۴/۲۴؛ دانیال، ۶/۲۷-۲۸).

ب- شعر جاهلی

در دو بیت زیر که به شاعران عصر جاهلی منسوبند، آیه در چنین مفهومی به کار رفته است. اگر نسبت این ابیات به این شاعران صحیح باشد، می‌توان آن‌ها را دلیلی بر رواج مفهوم دینی آیه در میان عرب‌های شبه جزیره تلقی کرد. این مطلب بدان معناست که عرب معاصر نزول قرآن، با تصور دینی آیه آشنا بوده است و هنگامی که قرآن این واژه را در مفهوم دینی به کار می‌برده، در واقع به همان تصور آشنا میان اعراب اشاره داشته است. وقتی مشرکان از پیامبر درخواست آیه می‌کردند، چنین تصویری از آن در ذهن خود داشتند و پاسخ قرآن به این درخواست را نیز باید در محدوده همین فهم از واژه تفسیر کرد. بدیهی است که در خطاب‌های قرآن به اهل کتاب، چاره‌ای جز پذیرفتن این مسئله نداریم که قرآن با لفظ «آیه» به مفهومی مشترک میان خود و اهل کتاب اشاره کرده است.

در بیت زیر که أبو‌الصلت ثقفی در وصف حمله ابرهه سروده است، کاربرد کلمه به معنای قرآنی آن نزدیک است و اگر انتساب آن را به شاعر درست بدانیم، چنین کاربردی باید تحت تأثیر مفهوم عهدینی آیه باشد:

ما یماری فیهنّ إلاً الکفورُ	(۱۶) إِنْ آیَاتِ رَبِّنَا بآقیاتُ
ظللّ یحبو کأَنّه معقورُ	حُبس الفیل بالمعمّس حتّی
(ابو هلال عسکری؛ الأوائیل، ۳۴)	

«نشانه‌های پروردگار ما ماندگار است. جز شخص ناسپاس در آن تردید نمی‌کند. فیل در معمّس (یا مغمّس) گرفتار آمد؛ سپس به زانو درآمد، گویی که پی شده است.» جلوگیری خداوند از پیشروی سپاه ابرهه به سوی مکه و بیت الله الحرام با زمین‌گیر ساختن فیل، نشانه‌ای از قدرت و رحمت خداوند شمرده شده است که باید در برابر آن سر تعظیم فرود آورد و کسی که در آن تردید کند، در برابر این نعمت خداوند ناسپاسی کرده و حق بزرگداشت او را به جا نیاورده است. لبید بن ربیع که به حنیفیت گرایش داشت^۱ و غالب اشعارش مضامینی دینی دارد، در این بیت «آیات» را در معنایی نزدیک به کاربرد کتاب مقدّس استعمال کرده است:

(۱۷) و الماء و النیران من آیاته فیهنّ موعظة لمن لم یجہل
(لبید، دیوان، چهل و دو، بیت ۵)^۲

«و آب و آتش از جمله نشانه‌های اویند؛ در آن‌ها برای کسی که جاهل نباشد پند است.»

در این دو بیت نیز مانند کاربرد کتاب مقدّس، آیه، فعلی الهی است که بر معرفتی دینی (هستی خدا و تقدیر او در جهان) دلالت می‌کند.

۲-۵-۳- آیه تصدیقی

چنان که گفتیم در عهد قدیم، ارائه آیه برای تأیید و تأکید مضمونی است که بر پیامبر وحی شده است. در برخی موارد که مضمون وحی انذار یا اخبار از آینده است، گاهی در پی وحی آیه‌ای به وقوع می‌پیوندد تا پیامبر یا مخاطبان وحی را از وقوع حتمی آن مطمئن سازد. در این حالت، پیش از وقوع آیه پیامبر از آن باخبر

۱. گویند که او در اسلام به جز یک بیت، شعر دیگری نگفت [ابو الفرج؛ ۲۴۶/۱۵].

۱. قس: ایزوتسو؛ ۱۷۱.

است و غالباً دیگران را نیز مطلع می‌کند. در *جودائیکا* ("Miracle", xii, 73) در باره این نوع از آیات آمده است: «نشانه ممکن است به عنوان دلیل و گواه پیش‌گویی^۱ اعطا شود». هنگامی که پیامبر در خواب از آینده خبر کسب می‌کند یا در رؤیای نبوی با واسطه^۲ صور مثالی^۳ از واقعه‌ای مطلع می‌شود، در صورتی که مضمون وحی شده مورد انکار یا تردید باشد، از خداوند آیه‌ای می‌طلبد که این مضمون را تأیید کند. این نشانه گاهی همسو با واقعه پیش‌بینی شده است و گاه ارتباطی میان آن دو به نظر نمی‌رسد. نمونه‌ای از نوع نخست «ترک برداشتن مذبح و ریختن خاکستر روی آن» در تأیید پیش‌گویی نبوی است که گفته بود کاهنانی که بر مذبح بیت‌ایل بخور می‌سوزانند به دست مردی از فرزندان داوود در این مکان ذبح خواهند شد و استخوان‌هایشان بر مذبح سوزانده خواهد شد (اول پادشاهان، ۳/۱۳). موارد دیگر را می‌توان در *اعداد*، ۱۶/۲۸-۳۵، اول سموئیل، ۲/۲۷-۳۴، ۱۲/۱۶-۱۸ و *ارمیا*، ۴۴/۲۹-۳۰ دید. این نوع آیه انذار و هشدار است تا مردمی که نمونه کوچک خشم و عذاب الهی را مشاهده می‌کنند، برای اجتناب از عذاب بزرگ تر دست از گناه و نافرمانی بردارند. اشاره‌هایی به این دسته از آیات را که آیات تخویفی نامیده می‌شوند، می‌توان در قرآن کریم مشاهده کرد (یونس/ ۱۰۱، اسراء/ ۵۹).

اما در عهد قدیم مواردی هست که واقعه آیه با واقعه پیش‌بینی شده تشابهی ندارد و رابطه روشنی میان آیه و وحیی که مورد تأیید قرار می‌دهد به نظر نمی‌-

1. prophecy

۳. ابن میمون در تبیین انواع وحیی که پیامبران دریافت می‌کنند - پس از استثنای وحی به موسی - می‌نویسد: هر گاه شنیدنی واقع شود، یعنی نبی کلامی را بشنود این در خواب است و در رؤیا فقط امثال را درک می‌کند. چنان که در *تورات* آمده است «در خواب با او سخن می‌گویم» (*اعداد*، ۶/۱۲) اما در رؤیای نبوی فقط امثال یا ارتباطاتی عقلی را درک می‌کند که اموری علمی - شبیه اموری که با نظر کردن حاصل می‌آید - را برای او فراهم می‌سازند. وی همه کارهای تمثیلی انبیا، مانند اعمال حزقیال و ارمیا، را در رؤیای نبوی می‌داند نه در عالم واقعی (ص ۴۴۲-۴۴۳).

رسد؛ مثلاً سایه ساعت آفتابی آحاز به عقب باز می‌گردد تا پیش‌گویی اشعیا را در مورد بهبود یافتن شاه حزقیا تأیید کند (دوم پادشاهان، ۲۰/۸-۱۱؛ نیز نک. داوران، ۱۶/۶-۲۱).

قرآن کریم در دو حکایت که اتفاقاً درباره انبیای بنی‌اسرائیل است، به این نوع آیه اشاره دارد: نخست گنگ شدن موقت زکریا به نشانه تأیید بشارتی که فرشتگان درباره تولد یحیی به او داده بودند (مریم/۱۰، آل عمران/ ۴۱. قس: لوقا، ۲۰/۱ و ۲۲) و دیگر بازگشت تابوت عهد به بنی‌اسرائیل به نشانه این که پیش‌گویی نبی در مورد برگزیدگی طالوت به منصب پادشاهی راست بوده است (بقره/ ۲۴۸. قس: اول سموئیل، باب‌های ششم و نهم). در این دو مورد نیز همان عناصر: وحی به پیامبر (اخبار از غیب)، باور نکردن و آیه به چشم می‌خورد؛ همچنان که رابطه آشکاری میان آیه (گنگ شدن، بازگشت تابوت عهد) و مضمون وحی (بشارت فرزند، پادشاهی طالوت) وجود ندارد. می‌توان گفت آیه‌ای که اهل کتاب در ماجرای تغییر قبله از پیامبر طلب کردند نیز از همین نوع و برای تأیید محتوای وحی سابق بوده است: «و اگر هر گونه آیه‌ای برای اهل کتاب بیاوری [باز] قبله تو را پیروی نمی‌کنند، و تو [نیز] پیرو قبله آنان نیستی، و خود آنان پیرو قبله یکدیگر نیستند، و اگر پس از علمی که تو را [حاصل] آمده، از هوس‌های ایشان پیروی کنی، در آن صورت جداً از ستمکاران خواهی بود» (بقره: ۱۴۵). با توجه به قدر مشترک این آیات می‌توان گفت در این کاربرد، آیه فعلی از خدا و مؤید خبری غیبی است که پیامبر از طریق وحی دریافت کرده است.

۲-۵-۳- پیش‌گویی در قالب رؤیای پیامبرانه

در کتب انبیا (نبییم)، گاهی آیه به برخی اعمال یا گفتارهای منسوب به انبیا اطلاق شده است که از حوادث آینده خبر می‌دهند. برخی محققان، مانند نویسنده مقاله

"Signs and Symbols" در *جود/ثیکا* و کلوین فربیل^۱ آن‌ها را اعمال و اقوالی نمادین تلقی کرده‌اند که در عالم واقعیت از انبیا صادر گشته است. ابن نعمان در تفسیر خود بر *سفر پیدایش* (۶/۱۲) چنین اعمالی را که نمایانگر تحولات آینده-اند، اعمالی شبه جادویی برشمرده است که باعث وقوع این وقایع می‌شوند و برخی محققان معاصر، نظیر جی. فوهرر نیز بر آن صحنه گذاشته‌اند (E. Li, xiv, 1523; cf. Friebel; 42-6). اما موسی بن میمون (ص ۴۱۸، ۴۲۶-۴۲۸) این نقل‌های کتاب *مقدس* را گونه‌ای خاص از تنبؤ دانسته است که در قالب امثال در رؤیای پیامبرانه این انبیا - که به وقت بیداری حادث می‌گردد- به آنان نموده می‌شده و سپس در همان رؤیا معنای آن امثال برای آنان تشریح می‌شده است (مانند *دنیال*، باب‌های هفتم و هشتم) یا نبی پس از هشیاری مقصود از آن را در می‌یافته است (مانند *زکریا*، ۷/۱۱) اما چون در کتب انبیا مرسوم نیست که در لا به لای نقل نبوت‌ها یادآوری و تأکید شود که این امور در رؤیای نبوی اتفاق افتاده است، عموم مردم گمان می‌کنند که این افعال و رفت و آمدها و پرسش و پاسخ‌ها همگی در حالت ادراک حواس روی داده است و نه در رؤیای نبوی و واقعا نبی چنین اعمالی را انجام داده و چنین سخنانی را به زبان رانده است (همو، ۴۴۴-۴۴۸).

بنا بر تفسیر ابن میمون، این رؤیاها چیزی جز پیش‌گویی وقایع آینده از طریق وحی نیست و این کار از آنجا که مستلزم احاطه به غیب و فعلی الوهی است، علاوه بر این که الوهیت خبر دهنده را ثابت می‌کند، علم مطلق الهی و تقدیر خداوندی را نیز به اثبات می‌رساند؛ پس می‌توان گفت انباء از غیب - چه به شکل رؤیای نمادین و چه تأویل آن - آیه نامیده شده است؛ زیرا فعلی الهی است که حقیقتی دینی را به شیوه‌ای تجربی مورد تأیید قرار می‌دهد.

1. Kelvin Friebel

اینک به نمونه‌هایی از این رؤیاهای نبوی که آیه نام گرفته‌اند می‌پردازیم: در وحی خداوند به اشعیا، مصون ماندن سرزمین یهودا از تعرض آرام (دمشق) و افرایم (اسرائیل) و نابودی این دو مملکت در آینده نزدیک، این گونه پیش‌گویی می‌شود:

اینک زن جوان حامله شده پسری خواهد زایید و نام او را عَمَانوئیل (=خدا با ماست) خواهد نامید- کره و عسل خواهد خورد تا آنکه ترک کردن بدی و اختیار کردن خوبی را بداند - زیرا قبل از آن که پسر ترک کردن بدی و اختیار کردن خوبی را بداند، زمینی که شما از هر دو پادشاه آن می‌ترسید، متروک خواهد شد. (اشعیا، ۷/ ۱۴-۱۶؛ برای دیدن نمونه‌های دیگر در کتاب اشعیا، نک. ۷/ ۳؛ ۱۸/ ۱-۳؛ ۲۰/ ۳-۴).

حزقیال محاصره اورشلیم را در رؤیا به این نحو می‌بیند که خداوند او را می‌فرماید خشتی بگیرد و نام شهر اورشلیم را بر آن نقش کند و آن را مقابل خود بگذارد؛ با برج‌ها و سنگرها و منجنیق‌هایی که در مقابل آن قرار می‌دهد آن را محاصره کند و تابه‌ای آهنین گرفته، میان خود و شهر حایل سازد (حزقیال، ۴/ ۱-۳). سپس در همین رؤیا به وی امر می‌شود که ۳۹۰ روز به پهلوی چپ و آنگاه چهل روز به پهلوی راست خود بخوابد؛ تأویل این، عدد سال‌هایی است که هر یک از دو مملکت اسرائیل و یهودا در گنهکاری به سر برده‌اند (حزقیال، ۴/ ۶-۸) و نیز شماره روزهایی که محاصره اورشلیم به طول خواهد انجامید (حزقیال، ۴/ ۸). برای نشان دادن قحطی و گرسنگی این دوران، در این رؤیا به حزقیال فرمان داده می‌شود که جیره‌اندکی متشکل از غلات و حبوبات بخورد و آب را جیره بندی شده بنوشد و در برابر چشم مردم نان جو را بر سرگین انسان بپزد؛ تأویل قسمت اخیر آن است که بنی‌اسرائیل در میان امت‌های کافر پراکنده

خواهند شد و طعام ناپاک خواهند خورد (حزقیال، ۴/ ۹-۱۳؛ برای دیدن نمونه‌های دیگر، نک. حزقیال، ۱/ ۵-۱۲؛ ۳/ ۱۲-۱۴؛ ۱۶/ ۲۴-۱۷، ۲۱-۲۴)¹.

نظایر این نبوت‌ها را در کتب انبیا، به ویژه در اشعیا، ارمیا و حزقیال به وفور می‌توان دید که در آن‌ها وحی خداوند در باره حوادث آینده در قالب رؤیایی نمادین بر نبی نازل می‌شود و نبی تأویل آن را در می‌یابد و برای دیگران شرح می‌دهد. این تصاویر نمادین با قالب امثال که در اناجیل فراوان با آن برخورد می‌کنیم، شباهت دارند.

با شرحی که گذشت، اطلاق آیه به نبوت و اخبار از آینده نیز در چهار چوب همان تعریف کلی سابق، یعنی «فعل الهی مؤید محتوای وحی» می‌گنجد؛ اگر انباء از غیب را به مثابه فعلی الهی در نظر آوریم، این فعل - وقتی محتوای پیش‌گویی محقق می‌گردد - حقیقتی دینی، یعنی علم فراگیر خداوند و حاکمیت تقدیر او بر جهان را ثابت می‌کند؛ از این رو معمولاً در ضمن این نبوت‌ها - که غالباً از نوع انذار است - جمله‌ای نظیر این گفته می‌شود: «و حینی که این واقع شود خواهید دانست که من خداوند یهوه می‌باشم» (حزقیال، ۲۴/ ۲۴).

۳-۵-۳- یادآوری فعل الهی

بنا به اهمیت آیات در دین یهود است که تورات و کتب دیگر عهد قدیم، تعلیم می‌دهند که یهودیان این اعمال عظیم خداوند را به خود و فرزندان خود یادآوری کنند (خروج ۱۳: ۱۶؛ تثنیه ۱۱: ۱۸). ابن نحمان یادآوری واقعه خروج از مصر را با قرائت ذکر *אֱמֶת וַיִּצִיב (Emet ve-yatziv)*² پس از ذکر آیه توحید: «بشنو

۱. موارد زیر نیز رؤیاهایی پیامبرانه‌اند که از آینده خبر می‌دهند ولی لفظ آیه درباره آنها به کار نرفته است: هوشع، باب‌های اول تا سوم؛ اول پادشاهان، ۱۱/ ۲۹-۳۱؛ ارمیا، باب نوزدهم، باب بیست و هفتم.

۱. این نیایش که در نماز صبح یهودیان پس از آیه توحید (تثنیه ۶: ۴ به بعد) قرائت می‌شود، با شکرگزاری به درگاه خداوند به سبب نجات از مصر خاتمه می‌یابد.

اسرائیل...» (تثنیه ۶: ۴ به بعد) در نمازهای یومیه یهود امری واجب می‌داند که تورات بدان امر کرده است. (Bick; "The purpose of signs and miracles"). در تورات شعائری که برای یادآوری و بزرگداشت آیات خداوند در میان قوم اسرائیل وضع گردیده نیز آیه نامیده شده است (E. Li, xiv, 1525). برخی از این شعائر و آیین‌ها عبارتند از:

الف) عید فصح در چهاردهم ماه آب، به بزرگداشت شب خروج از مصر (خروج، ۱۲/۱۴)؛

ب) خوردن نان فطیر به یاد شب خروج از مصر که بنی‌اسرائیل از سر شتاب، نان‌هایشان را بدون خمیرمایه و به شکل فطیر پختند (خروج، ۱۳/۷-۹)؛
ج) تقدیم نخست زاده مذکر به یاد شب خروج از مصر که خداوند نخست زادگان مصری، اعم از انسان و چهارپا، را میراند و از نخست زادگان اسرائیلی درگذشت (خروج، ۱۳/۱۵-۱۶)؛

د) عصای هارون که به نشانه برگزیدگی او و خاندان لاوی از جانب خداوند، شکوفه داده و بادام رویانده بود و موسی آن را برای یادآوری این عنایت الهی به همه اسباط، بر روی تابوت شهادت قرار داد (اعداد، ۱۷/۱-۱۰)؛

ه) سنگ‌هایی که بنی اسرائیل هنگام گذر از رود اردن - به فرمان یوشع - جمع کردند تا برای نسل‌های آینده یادآور شکافتن رود اردن در پیش روی بنی اسرائیل باشد (یوشع، ۴/۶-۷)؛

و) سبت که نشانه و یادآوری فعل الهی آفرینش است و در تورات و کتب انبیا (حزقیال، ۲۰/۱۲) آیه نام گرفته است (خروج، ۳۱/۱۳).

در قرآن کریم، این گونه یادمان‌های الهی - که بویژه با مناسک حج مرتبطند - غالباً شعائر نامیده شده‌اند (بقره/ ۱۵۸، مائده/ ۲، حج/ ۳۲ و ۳۶) و در یک مورد نیز

«آیات بینات» نام گرفته‌اند (آل عمران / ۹۷). همچنین وقایع سرنوشت ساز در میان قوم بنی اسرائیل «ایام الله» نام گرفته و آیه خوانده شده است (ابراهیم / ۵). بنا بر این مفاهیم دینی آیه در عهد قدیم همه به یک مفهوم واحد بر می‌گردد و آن «فعلی الهی» است که محتوای وحی را به شکل تجربی تأیید می‌کند. محتوای وحیی که تأیید می‌شود یا از قبیل پیش‌گویی آینده و اخبار از غیب است که در این صورت با پیش‌گویی واقعه‌ای قریب الوقوع تأکید می‌شود تا باور مخاطبان را به پیش‌گویی اصلی و نخستین برانگیزد و یا حقیقتی دینی راجع به خداوند است و با فعلی از افعال الهی که بر آن دلالت می‌کند تأیید می‌شود. گاهی این فعل الهی، خود از نوع اخبار از غیب است و علم مطلق خداوند و تقدیر الهی را ثابت می‌کند. در تورات همچنین شعائری که یادآور افعال عظیم الهی در حیات انسان‌ها و به خصوص بنی اسرائیل محسوب می‌شوند نیز آیه نامیده شده‌اند. چنان که دیدیم کارکرد آیه در عهد قدیم ایمان و معرفت بخشیدن به ناباوران و تقویت ایمان و معرفت در مؤمنان است.

نتیجه

با توجه به آنچه گفته شد، واژه «آیه» از الفاظ کهن سامی است که در دوره پیش از اسلامی کاربردی گسترده داشته است. مفهوم اساسی آن علامت و نشانه و معمول‌ترین کاربرد آن در اشعار جاهلی برای وصف بقایای منزلگاه قبیله بوده است. کاربردهای دیگر واژه آیه در مورد نشانه امر غیر مادی، دلیل و پیام است. احتمالاً مفهوم دینی آیه در کتاب مقدس، همچنان که برای اهل کتاب ساکن شبه جزیره شناخته شده است برای مشرکان - به واسطه مراودات فرهنگی ایشان با اهل کتاب - نیز آشنا بوده است، دلیل این امر کاربرد چنین مفهومی در شعر برخی حنفاست. نمی‌توان دقیقاً تعیین کرد که پیش از نزول قرآن، تصور دینی آیه که برای قوم پیامبر (ص) شناخته شده بود، چقدر با مفهوم آن در عهد قدیم مطابقت

می‌کرده است؛ اما نقل قول‌هایی که قرآن از مشرکان می‌کند، می‌تواند ما را تا حد زیادی مطمئن سازد که آنان وقتی از پیامبر درخواست آیه می‌کرده‌اند، مفهومی مشابه آنچه کتاب مقدس از آیه اراده کرده است در ذهن خود داشته‌اند. برای مثال مشرکان با سوگندهای مؤکد می‌گفتند: اگر آیتی برای ما بیاید قطعاً به آن ایمان خواهیم آورد (انعام: ۱۰۹). همچنین می‌توان دید که مشرکان از کارکرد ایمان‌زایی آیه خبر داشته‌اند: «و گفتند تا از زمین چشمه‌ای برای ما نجوشانی، هرگز به تو ایمان نخواهیم آورد» (اسراء/۹۰)؛ «می‌گویند هرگز ایمان نمی‌آوریم تا اینکه نظیر آنچه به فرستادگان خدا داده شده است به ما (نیز) داده شود» (انعام/۱۲۴). نیز وقتی مشرکان - احتمالاً به تحریک یهود - اعتراض می‌کردند که «چرا نظیر آنچه به موسی داده شد، به او داده نشده است؟» (قصص/۴۸)، با آیات موسی آشنا بودند و اگر همه دانسته‌هایشان در این مورد را مستقیماً از اهل کتاب نگرفته بودند، لا اقل قسمتی را از آنان و قسمتی را به واسطه قرآن کسب کرده بودند. همچنین قرآن در برخی خطاب‌های مستقیم خود به اهل کتاب، در باره آیاتی سخن گفته است که خداوند بر بنی اسرائیل نازل کرد (بقره/۲۱۱) و یهودیان مدینه از پیامبر درخواست آیه می‌کردند (بقره/۱۴۵) و دیگران را نیز به این کار تحریک می‌کردند (بقره/۱۰۸)؛ لذا طبیعی است که در این کاربردها مفهومی از واژه آیه اراده شده باشد که میان قرآن و اهل کتاب مشترک بوده است. علاوه بر این، دست کم در چند موضع از قرآن (بقره/۲۴۸، آل عمران/۴۱، مریم/۱۰) فهم دقیق معنای آیه بدون اطلاع از کاربرد مشابه آن در عهد قدیم تقریباً ناممکن است. در شرحی که گذشت بر آن بودیم تا بستری را که قرآن در آن تصور آیه را ارائه کرده است روشن سازیم اما بررسی مفهوم آیه در قرآن، بحثی مستقل می‌طلبد که در رساله خود با عنوان پژوهش تطبیقی مفهوم و کارکرد آیه در قرآن و عهدین بدان پرداخته‌ایم.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.
- کتاب مقدس؛ انجمن کتاب مقدس، [بی تا]، [بی جا].
- آذرنوش، آذرتاش؛ «آیه»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱.
- -----؛ راههای نفوذ فارسی در فرهنگ و زبان عرب جاهلی؛ تهران: توس، ۱۳۷۴.
- ابن اثیر، مجد الدین مبارک بن محمد؛ *النهاية*؛ تحقیق طاهر احمد الزاوی و محمود محمد الطناحی، ج ۳ و ۵، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۶۷.
- ابن انباری، ابوبکر محمد بن قاسم؛ *الزاهر فی معانی کلمات الناس*؛ بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۴ق.
- ابن درید، محمد بن حسن؛ *جمهرة اللغة*، ج ۱، بیروت: دار صادر (بی تا).
- ابن عساکر، علی بن حسن؛ *تاریخ مدینة دمشق*؛ تحقیق علی شیری، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۵ ق.
- ابن فارس، احمد؛ *معجم مقاییس اللغة*؛ بیروت: دار الجیل، ۱۴۱۱ ق / ۱۹۹۱ م.
- ابن قتیبه، عبد الله بن مسلم؛ *تفسیر غریب القرآن*؛ بیروت: دار مکتبة الهلال، ۱۴۱۱ ق / ۱۹۹۱ م.
- -----؛ *الشعر و الشعراء*؛ تحقیق احمد محمد شاکر، قاهره: دار الحدیث، ۱۴۲۳ ق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم؛ *لسان العرب*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، مؤسسه التاریخ العربی، ۱۹۹۱ م.
- ابن میمون قرطبی اندلسی، موسی؛ *دلالة الحائرين*، تحقیق و برگردان به خط عربی حسین آتای، (بی جا) مکتبة الثقافة الدینیة، (بی تا).
- ابن هشام، عبد الملک؛ *السيرة النبوية*، ج ۱، تحقیق مصطفی السقا، ابراهیم الأیاری و عبد الحفیظ شلبی، بیروت: دار المعرفة، (بی تا).
- ابو عمرو شیبانی، اسحاق بن مرار؛ *کتاب الجیم*، ج ۱، تحقیق ابراهیم الایاری، قاهره: هیئة العامة لشؤون المطابع الأمیریة، ۱۳۹۴ / ۱۹۷۴.

- ابو الفرج اصفهانی، علی بن حسین؛ *الأغانی*؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۴-۱۴۱۵ ق.
- ابو هلال عسکری، حسن بن عبد الله؛ *الأوائل*؛ تحقیق محمد السید الوکیل، طنطا: دار البشیر، ۱۴۰۸ ق.
- -----؛ *الصناعین*؛ تحقیق علی محمد البجاوی و محمد أبو الفضل ابراهیم، بیروت: مکتبه عنصریة، ۱۴۱۹ ق.
- توشیهیکو؛ *خدا و انسان در قرآن*، ترجمه احمد آرام، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ چهارم، ۱۳۷۴ ش.
- بغدادی، عبد القادر؛ *خزائن الأدب*، ج ۳؛ بیروت: دار صادر، ۱۴۰۹ ق. / ۱۹۸۹ م.
- بلاشر، رژی؛ *در آستانه قرآن*؛ ترجمه محمود رامیار، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۷۰.
- جاحظ، عمرو بن بحر؛ *البرصان والعرجان*، تحقیق و شرح عبد السلام محمد هارون، بیروت: دار الجیل، ۱۴۱۰ ق.
- -----؛ *البيان والتبيين*، ج ۳، بیروت: دار و مکتبه هلال، ۱۴۲۳ ق.
- -----؛ *الحيوان*؛ ج ۴، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۴ ق.
- جفری، آرتور؛ *واژه‌های دخیل در قرآن مجید*؛ ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: توس، ۱۳۸۵.
- الجمل، احمد محمد علی؛ «القرآن ولغة السريان»؛ *مجلة كلية اللغات والترجمة بجامعة الأزهر*، عدد ۴۲، سنة ۲۰۰۷ م.
- حییم، سلیمان؛ *فرهنگ عبری- فارسی*؛ چاپ دوم، انجمن کلیمیان تهران، ۱۳۶۰.
- روحانی، محمدحسین؛ «نقد کتاب واژه‌های دخیل در قرآن»؛ *آینه پژوهش*، شماره پنجم، سال چهارم، بهمن - اسفند ۱۳۷۲.
- زرکلی، خیر الدین؛ *الاعلام*، ج ۳، بیروت: دار العلم للملایین، ط الثامنة، ۱۹۸۹.
- زمخشری، محمود بن عمر؛ *ربیع الأبرار و نصوص الأخبار*؛ بیروت: مؤسسة الأعلمی، ۱۴۱۲ ق.
- فراهیدی، خلیل بن احمد؛ *ترتیب کتاب العین*؛ تحقیق مهدی المنزومی و ابراهیم السامرائی، تصحیح أسعد الطیب، قم: انتشارات اسوه، ۱۴۱۴.

- قیروانی، ابراهیم بن علی؛ *زهر الآداب و ثمر الألباب*، تحقیق و شرح زکی مبارک، ج ۱، بیروت: دار الجیل، (بی تا).
- مشکور، محمد جواد؛ *فرهنگ تطبیقی عربی با زبانهای سامی و ایرانی*، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۷ ش.
- نولدکه، تیودور؛ *تاریخ القرآن*؛ ترجمه جورج تامر، کلن - بغداد: منشورات الجمل، ۲۰۰۸.
- یاقوت؛ *معجم البلدان*، ج ۴، بیروت: دار صادر، ۱۹۹۵.
- Abrahamov, Binyamin; "Signs", *Encyclopedia of The Quran*, Leiden: Brill Publishers, 2001-2006, vol. v.
- Bick, Ezra (Rav); "The purpose of signs and miracles according to the Ramban", (available in:) The Israel Koschitzky Virtual Beit Midrash; (homepage); <<http://www.vbm-torah.org/pesach/pes67eb.htm>>; (2009/04/28).
- Costaz, Louis S. J.; *Syriac-English-French-Arabic Dictionary*; Beyrouth: Imprimerie Catholique.
- E. Li, "Signs and Symbols", *Encyclopaedia Judaica*, Jerusalem: Keter Publishing House, 1971-72, xiv, 1523-5.
- Fox, Bernard (Rabbi); "Torah perspectives on miracles"; (available in:) Mesora; (homepage); <<http://www.mesora.org/RabbiFox/miracles-fox.html>>; (2009/04/28).
- Friebel, Kelvin G.; *Jeremiah's and Ezekiel's Sign-Acts: Rhetorical Nonverbal Communication*; Sheffield Academic Press, 1999.
- J.L., and L.I.R.; "Miracle"; *Encyclopaedia Judaica*, Jerusalem: Keter Publishing House, 1971-72, xii, 73- 81.
- Jeffery, Arthur; "Āya", *Encyclopaedia of Islam*, The Second Edition (EI₂), Leiden: Brill, 1954-2005, i, 773.
- Jennings, William; *Lexicon to the Syriac New Testament (Peshitta)*, Oxford: The Clarendon Press, 1926.
- Mingana, Alphonse; "Syriac Influence On The Style Of The Kur'an"; *Bulletin of The John Rylands Library*, London: Manchester University Press, Longsmans, Green, & Co., vol. 11, No. 1, 1927, p. 77-98.
- Pyne Smith, R. *A Compendious Syriac Dictionary*, vol. i, Oxford: The Clarendon Press, 1903.
- Steinmueller, John E. ; "Miracle", *Catholic Biblical Encyclopedia*, New York, J. F. Wagner, 1956.
- Strong, James; *Hebrew Dictionary of the King James Bible*, (homepage);

<www.htmlbible.com/sacrednamebiblecom/kjvstrongs>
(2010/04/06).

معاني «الآية» و مفاهيمها في العصر الجاهلي: دراسة اتيمولوجية و دلالية

نرجس موسى اندرزی

طالبة الدكتوراه في العلوم القرآنية و الحديث بجامعة طهران

الدكتور آذرتاش آذرنوش

أستاذ في اللغة العربية و آدابها بجامعة طهران

الملخص

كلمة «الآية» التي تتعلق بالمادة اللغوية الأصلية السامية، كثيراً ما وردت في الشعر الجاهلي كما استخدمت بأشكال أخرى في النصوص السامية المختلفة إضافة إلى العربية. و في القرن السابع للميلاد، استخدمها القرآن الكريم و صبغها صبغةً دينيةً جديدةً؛ و نظراً إلى كثرة استخدامها في القرآن الكريم يمكننا القول بأنها كانت مفهومةً لدى الأقبام العربية عند نزول الوحي، موحدةً كانت أو وثنيةً. و من المحتمل أن يكون العرب قد تعرّفوا على هذه الكلمة عن طريق الكتاب المقدس حيث وردت الآية بلفظها العبري: אַיָּה (ot) في الكتاب المقدس العبري و بلفظها السرياني: ܐܝܬܐ (ātā) في بشيتا في مواضيع مختلفة. فإنّ الكلمة هذه تدلّ في الكتاب المقدس على «الفعل الإلهي» الذي كان يخبر عنها الوحي في زمن سابق. و ذلك الوحي يمكن أن يكون محتواه تعليماً أو معرفةً دينيةً أو إخباراً عن الغيب. هذا الجانب المعنوي من لفظة الآية يغطّي جزءاً من الدائرة المعنوية للكلمة في القرآن الكريم.

المفردات الرئيسية: الآية، اتيمولوجية، الشعر الجاهلي، الكتاب المقدس

